

جادوی پیر گنجه



شناسه خبر : ۱۴۱۲۶۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۱۱:۲۰

شمیسا در کتاب "نظامی و هفت پیکر" راز ماندگاری این اثر از پیر گنجه را در چگونه گفتن او می‌داند و معتقد است در "چه گفتن‌ها" ظاهراً امر مهمی نیست.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، تاریخ ادبیات پر است از شاعران و سخنورانی که تمام هم و غم خود را صرف تقلید از پنج گنج نظامی کرده‌اند؛ تلاشی که در نهایت به مقلدان موفقی ختم شده که نامشان هماره زیر سایه پیر گنجه قرار گرفته و خواهد گرفت. چه بسیار لیلی و مجنون‌ها و خسرو و شیرین‌ها از همان روزگار نظامی خلق شده‌اند که شمارشان در این مجال اندک نمی‌گنجد. نظامی در سرایش داستان‌های منظوم گوی سبقت را از سایرین ربوده و از این روست که به عنوان استاد داستان‌سرایی در میان فارسی‌زبانان مطرح است.

"هفت پیکر" را که موضوع کتاب جدید سیروس شمیسا، استاد نام‌آشنای ادبیات دانشگاه علامه طباطبائی است، چهارمین منظومه از پنج گنج نظامی می‌دانند. شمیسا کوشیده در گام نخست به معرفی نظامی بپردازد؛ از تولدش گرفته تا محیط اجتماعی که در آن رشد کرده و بالیده و در نهایت ارتباطش با دیگر شاعران چون خاقانی، سنایی و شمیسا در این بخش همچون عمده کتاب‌هایش، تلاش دارد تا آموزش گام به گام به مخاطب خود داشته باشد؛ از این رو با حوصله نگاهی انداخته است به زندگی و زمانه پیر گنجه.



مرز میان اسلام و مسیحیت

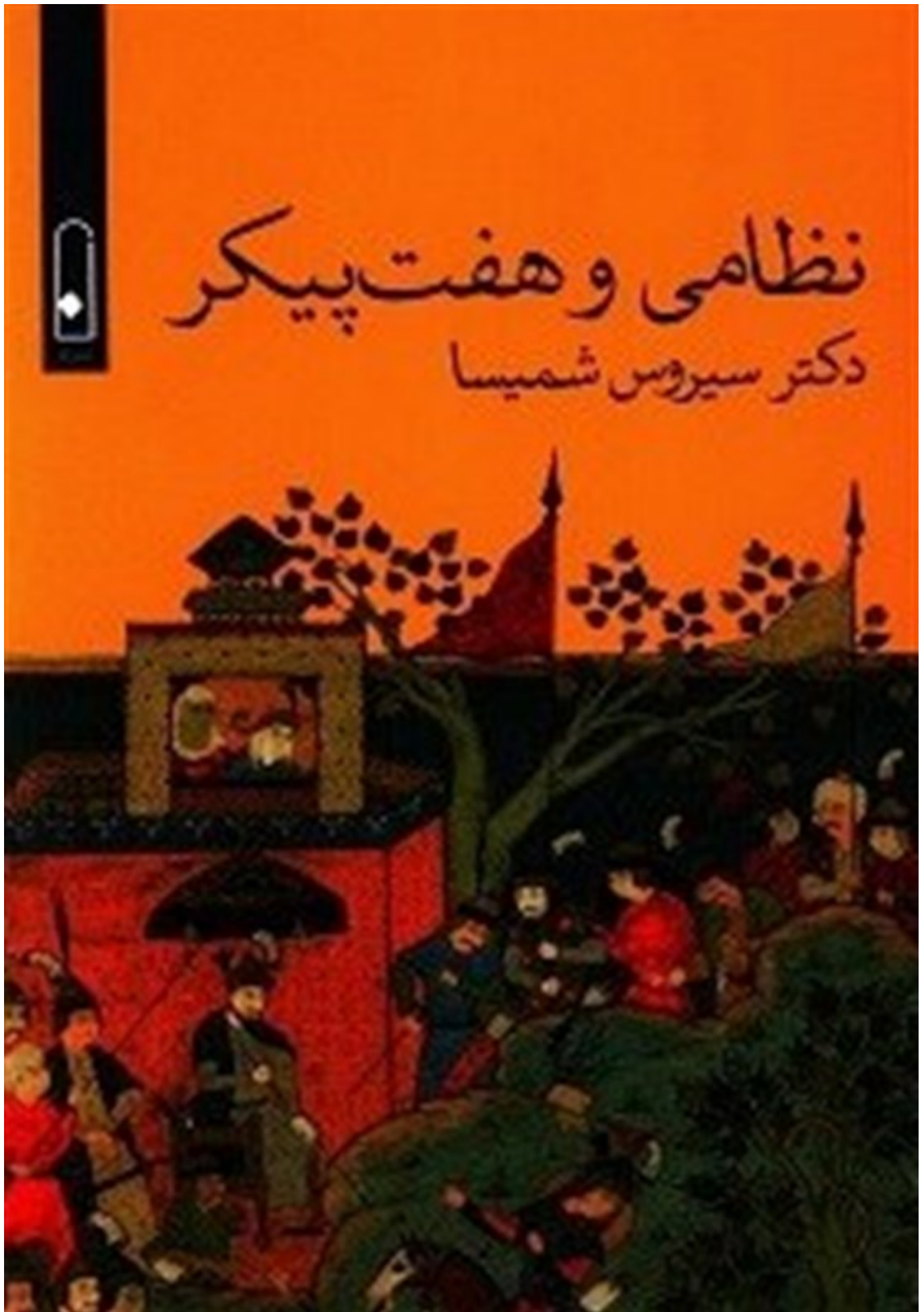
نویسنده معتقد است نظامی برخلاف رویکرد غالب شهری که در آن می‌زیست، به ایران باستان توجه ویژه داشته است. از نظر او، گنجی در روزگار نظامی مرز میان مسیحیت و اسلام بوده که از آن می‌توان با عنوان یکی از خطوط مقدم جنگ‌های صلیبی یاد کرد. همین امر سبب شده تا رویکرد عمده در شهر، رویکردی دینی باشد. هرچند نظامی خود آدمی متدین است که به گواهِ سروده‌هایش برخلاف بسیاری، لب به مسکرات نگشوده، اما می‌توان روحیه ایران‌دوستی و توجه به ایران باستان او را در جای جای آثارش دید؛ امری که گاه سبب شده تا برخی از حاسدان، مشکلاتی برای او ایجاد کنند. چنانکه در "شرف‌نامه" در نبرد اسکندر و دارا چنین گفته است:

همه عالم تن است و ایران دل
نیست گوینده زین قیاس خجل

چونکه ایران دل زمین باشد
دل ز تن به بود یقین باشد

ارزش ادبی «هفت پیکر» در چیست؟

اما بخش دوم که بخش اصلی کتاب نیز به شمار می‌رود، به "هفت پیکر" و ارزش ادبی آن اختصاص دارد. شمیسا راز ماندگاری و جذاب بودن این اثر نظامی را در چگونه گفتن او جست‌وجو می‌کند؛ به اعتقاد نویسنده این جادوی کلام شاعر است که "هفت پیکر" را "هفت پیکر" کرده است: به «هفت پیکر» بهرام‌نامه هم می‌گویند؛ زیرا تنه اصلی آن داستان بهرام گور، پادشاه ساسانی است و در ضمن شرح تاریخ او گفته شده است که با دختران شاهان هفت اقلیم ازدواج کرد و هر شب یکی از دختران برای بهرام افسانه‌ای می‌گفت. اما اتفاقاً شهرت «هفت پیکر» به سبب همین هفت داستان است که برخی از روی ناچاری آنها را با مسائل اخلاقی و شرعی و عرفانی تعبیر و تفسیر کرده‌اند؛ درحالی که این تفسیرها نه تنها چیزی به این داستان‌ها نیفزوده است، بلکه گاهی به سبب بی‌ربطی چیزی هم از آنها کاسته است. «هفت پیکر» افزون بر این هفت داستان، داستان یا تاریخ خود بهرام گور را هم دارد که بسیار ارزشمند است. همه داستان‌ها در «هفت پیکر» به گونه‌ای مربوط به امور جنسی و طلا و جواهر و اطعمه و اشربه است. آنچه در این داستان‌ها مهم است، چگونه گفتن نظامی است که در اوج بلاغت و هنر است، و گر نه در چه گفتن‌ها ظاهراً امر مهمی نیست. البته از همه آنها می‌توان نتایج اخلاقی و شرعی گرفت. در این میان داستان «گنبد سیاه» وضع متفاوتی دارد و قابل تعبیر و تفسیر عرفانی هم هست.



جادوی پیر گنج

کتاب «هفت پیکر» یا «بهرام نامه» یا «هفت گنبد» به قلم نظامی گنجوی، آمیزه‌ای از نجوم، الهیات، اخلاق، عناصر فرهنگی - اجتماعی از دوران کهن‌تر از دوران شاعر تا دوران معاصر اوست. این کتاب موازین حکمی و باورهای اعتقادی جهان‌بینی‌های آن دوران را در لایه‌های مختلف خود و در قالب داستان به نمایش گذاشته است.

در «هفت پیکر» نظامی با رنگ‌ها بازی می‌کند و زندگی را حیاتی رنگین می‌دهد و از رموز مختلف مانند غاز، اژدها، گنبد، گنج، دختر، عروس و بسیاری از مفاهیم دیگر که در ادبیات و عرفان از آنها صحبت شده، در کنار برداشتی از تاریخ و جهان‌بینی‌های اعتقادی بهره‌برداری کرده و شیوه‌ای را بنیان‌گذاری می‌کند که این شیوه از هنرهای زیبای نظامی در پرورش داستان است. او در «هفت پیکر» داستان بهرام را از تولد تا مرگ رازگونه‌اش، آن‌گونه که خود ساخته با رموز و طوطی مدارجی هفت‌گانه بیان می‌کند. بهرام گور در ادبیات فارسی شاید به‌علت تأثیر نظامی گنجوی، نشان رمز و راز و پادشاهی است که با طوطی مدارجی به کمال می‌رسد. بهرام را پادشاهی دانسته‌اند دلیر و جنگجو که تیرش هیچ‌گاه و هیچ‌جا به خطا نمی‌رفت. این نظر شمیسا کمی به دیدگاه زرین‌کوب در کتاب "پیر گنج" در جست‌وجوی ناکجاآباد نزدیک است.

زرین‌کوب ساختار داستان‌ها و حکایات هفت پیکر را با "آمه‌تو" از بوکاتچو، نویسنده ایتالیایی عصر رنسانس مقایسه می‌کند که با تصویرهای رنگین، خیال‌آمیز و آکنده از مبالغه و تناقض، هدفی جز برآوردن اعجاز و شگفتی مخاطب ندارند. در واقع، تمرکز بر سخن‌سرایی و توانایی سخنوری نظامی است تا محتوا و بن‌مایه‌های محتوایی حکایت. این رویکرد بر خلاف روشی است که در سال‌های گذشته با رشد مطالعات بینارشته‌ای، سعی در تحلیل روانکاوانه یا رمزگشایی از کهن‌الگوها و اساطیر در این دسته از آثار دارد.

کتاب "نظامی و هفت پیکر" از سوی نشر لانا در دسترس علاقه‌مندان به پژوهش در حوزه ادبیات کلاسیک قرار گرفته است.

انتهای پیام/

انتهای پیام/